

## Judgment for Specific Performance against Obligor and its Implementation by Third Party in Iranian and French Law

**Ebrahim Shoarian Sattari\***

*Professor of Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.*

**Sevda Bahojb Azimi**

*MA. In Private Law*

(Email: sevda.bahojb@yahoo.com)

(Received: 2020/02/24, Accepted: 2020/07/20)

### **Abstract**

In contractual relationships, accurate and timely implementation of obligations is of particular importance. But sometimes the obligor commits a breach of contract and, in spite of the issuance of the court judgment for specific performance, he still refuses to carry out obligation. Subject to the provisions of Articles 222, 238 of the Civil Code and Article 47 of the Code of the Execution of Civil Judgments, where the obligation is enforceable by a person other than the obligor, the third party may perform the obligation or even the obligee himself fulfill the obligation and claim for the cost of such performance. Also in Article 1222 of the French New Civil Code, which replaced the former Article 1144, such a performance has been recognized. A comparative study of the issue can provide an accurate response to some questions which has been raised in the issue. Third - party involvement in the implementation of obligation is only conceivable in the obligations to do and not to do which has no personal aspect. A comparative study of French law, that inspired the drafters of Iranian Civil Code, shows that such performance by a third party is a kind of specific performance and the discharging of original obligor is its main effect which consequently all of the guarantees will be extinguished, meanwhile the obligor will be condemned to pay expenses of performance.

### **Keywords**

Breach of Contract, Performance of Obligation, Order to Specific Performance, Third Party Performance, French Law.

---

\*Corresponding Author, Email: e\_shoarian@tabrizu.ac.ir

Fax: +9841-33366328

مطالعات حقوق تطبیقی  
دوره ۱۱، شماره ۲  
پاییز و زمستان ۱۳۹۹  
صفحات ۵۹۱ تا ۶۱۱ (علمی - پژوهشی)

## حکم الزام متعهد به ایفای عین تعهد و اجرای آن از سوی

### شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه

ابراهیم شعاریان ستاری\*

استاد دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

سئودا باحجب عظیمی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تبریز

(Email: sevda.bahojb@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۳۰)

### چکیده

در روابط قراردادی، اجرای دقیق و به موقع تعهدات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما گاهی متعهد مرتکب نقض قرارداد می‌شود و با وجود صدور حکم الزام، همچنان از اجرای تعهد خودداری می‌کند. با توجه به مواد ۲۲۲ و ۲۳۸ قانون مدنی و ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، در صورتی که امکان اجرای تعهد به وسیله شخصی غیر از متعهد وجود داشته باشد، شخص ثالث می‌تواند تعهد مدنظر را اجرا نماید و یا حتی متعهدله شخصاً تعهد را انجام دهد و هزینه آن را از متعهد مطالبه کند. در ماده ۱۲۲۲ اصلاحی قانون مدنی فرانسه نیز که جایگزین ماده ۱۱۴۴ سابق شده، این نحوه اجرای تعهد مورد شناسایی قرار گرفته است و بررسی تطبیقی در این خصوص می‌تواند به برخی از پرسش‌های مطرح شده در این زمینه پاسخی دقیق ارائه دهد. دخالت ثالث در اجرای تعهد در فرض مسئله، فقط در تعهدات به فعل و ترک فعل مادی که قائم به شخص نیست، قابل تصور است. مطالعه تطبیقی با حقوق فرانسه که الهام‌بخش نویسندگان قانون مدنی ایران بوده است، نشان می‌دهد که چنین اجرایی از سوی ثالث ماهیت اجرای عین تعهد را دارد و اثر اصلی آن براءت ذمه متعهد اصلی است که به تبع آن، تمامی تضمین‌های تعهد منتفی می‌شود، اما در هر حال، متعهد محکوم به پرداخت هزینه‌های لازم خواهد شد.

### واژگان کلیدی

اجرای تعهدات، اجرای ثالث، الزام به ایفای عین تعهد، حقوق فرانسه، نقض قرارداد.

## مقدمه

هدف غایی طرفین از ایجاد رابطه قراردادی، دستیابی به نتیجه موردنظر است و این مقصود جز از طریق اجرای کامل تعهدات از سوی طرفین میسر نمی‌شود. بدیهی است در صورت نقض قرارداد، متعهدله ناگزیر از مراجعه به مرجع صالح خواهد بود. بنابراین اجرای تعهد به معنای به‌جا آوردن التزامی است که متعهد برعهده دارد؛ خواه این اقدام ارادی باشد و از سوی متعهد انجام پذیرد یا از طریق الزام وی به‌وسیله دادگاه صورت گیرد. در تمام نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی ایران، ضمانت اجرای نقض قرارداد، الزام به ایفای تعهد، مطالبه خسارت و فسخ قرارداد است که تحت شرایطی برخی از این ضمانت اجراها قابلیت جمع داشته، درحالی که الزام به ایفای تعهد و فسخ قرارداد با یکدیگر امکان جمع ندارد. البته با توجه به اهمیت اصل لزوم قراردادهای، الزام به اجرای عین تعهد جایگاه ویژه‌ای نسبت به بقیه موارد دارد. موضوع بحث حاضر نیز یکی از عناوین مرتبط با الزام به ایفای تعهد است که در ادامه مباحث ماهیت آن و تعلق آن به ضمانت اجرای الزام به انجام تعهد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اجرای مفاد قرارداد چنان حائز اهمیت است که طبق مفاد ماده ۲۲۲ ق.م. در صورت خودداری متعهد از انجام تعهد، متعهدله می‌تواند با اجازه دادگاه شخصاً عمل را انجام دهد، هزینه آن را از متعهد دریافت نماید. اما احتمال دارد که خود متعهدله شخصاً قادر به انجام تعهد موردنظر نباشد و لذا این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان اجرای تعهد را به شخص ثالثی محول نمود یا خیر؟ در قانون مدنی ما طبق ماده ۲۳۸، ثالث می‌تواند در صورت عدم انجام شرط فعل از سوی متعهد، به دستور حاکم تعهد را انجام دهد، هرچند متعهد محکوم به پرداخت هزینه می‌شود. در ماده ۵۳۴ ق.م. نیز در خصوص ترک عمل از سوی عامل، اجرای تعهد از سوی ثالث و به هزینه عامل پیش‌بینی شده است (امامی، ۱۳۳۴: ۷۷). با توجه به ماده ۴۷ ق.ا.م. اگر کسی به انجام عمل معینی محکوم شده باشد، ولی از انجام آن خودداری نماید، محکوم‌له می‌تواند تحت نظر دادگاه، آن عمل را به‌وسیله دیگری انجام دهد، البته منظور از «شخص دیگر» در این ماده، شخصی غیر از محکوم‌علیه است؛ بنابراین خود محکوم‌له اگر توانایی یا تخصص انجام عمل موردنظر را داشته باشد، می‌تواند زیر نظر مأمور اجرا آن را انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند (شمس، ۱۳۹۷: ۷۱۳).

شایان ذکر است که منظور از ثالث، شخصی متفاوت از قائم‌مقام است. شخص ثالث کسی است که نسبت به رابطه قراردادی میان متعهد و متعهدله بیگانه بوده، از قراردادی که منعقد می‌گردد، منتفع و متضرر نمی‌شود (امامی، ۱۳۹۱: ۳۰۶)؛ درحالی که قائم‌مقام شخصی است که در یک رابطه قراردادی جانشین یکی از طرفین می‌شود و به سبب انتقال حقی از دارایی یکی از طرفین به وی، از قرارداد متأثر می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

با توجه به اهمیت اجرای مفاد قراردادها در روابط اجتماعی، انجام تعهد از سوی ثالث در فرض نقض قرارداد می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای دستیابی متعهدله به هدف نهایی خود از انعقاد قرارداد مورد توجه قرار گیرد؛<sup>۱</sup> برای مثال، پیمانکار بر اساس قراردادی که با مالک زمین منعقد نموده، متعهد شده است که ساختمانی را احداث کند، ولی پس از مدتی از ادامه ساخت‌وساز خودداری می‌کند. در چنین وضعی و حتی در صورت امکان فسخ قرارداد از سوی مالک، چه‌بسا احتمال دارد به لحاظ شرایط اقتصادی و افزایش قیمت‌ها و دستمزدها مالک ترجیح دهد که شیوه الزام به ایفای تعهد را برگزیند که در این صورت حتی در فرض عدم امکان الزام متعهد، اجرای قرارداد از سوی ثالث، ولی به هزینه متعهد می‌تواند سودمند باشد. در چنین حالتی قرارداد اصلی فسخ نمی‌شود، بلکه صرفاً اجرا از طرف ثالث صورت می‌گیرد و هزینه‌های مازاد بر مبلغ قرارداد که برای اجرای تعهد از سوی ثالث لازم است، برعهده پیمانکار اول (متعهد) خواهد بود.

این تحقیق اختصاص به موردی دارد که ثالث متعاقب صدور حکم بر الزام به انجام تعهد و خودداری محکوم‌علیه از ایفا دعوت شده است تا قرارداد را زیر نظر دادگاه اجرا نماید.<sup>۲</sup> در این راستا، تحلیل ماهیت، شرایط و آثار چنین ایفای تعهدی ضروری به نظر می‌رسد. نظر به اینکه بخشی از قوانین مورد مطالعه در نظام حقوقی ایران از حقوق فرانسه اقتباس شده است، بررسی

۱. البته اجرای تعهد از سوی ثالث، زمانی قابل تصور است که تعهد قائم به شخص نبوده، مباشرت متعهد در اجرای آن شرط نشده باشد؛ لذا هنگامی که متعهد چنین تعهدی را به‌رغم صدور حکم الزام به‌وسیله دادگاه انجام ندهد، در مرحله بعدی، اجرای چنین تعهدی از سوی ثالث امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر اینکه متعهدله از ویژگی خاصی که مد نظر وی بوده و یا از شرط مباشرتی که به نفع وی در قرارداد گنجانده شده است، صرف‌نظر کند (حائری شاه‌باغ، ۱۳۸۲: ۲۵۶؛ شهیدی، ۱۳۹۵: ۳۱).

۲. اجرای تعهد قراردادی از جانب ثالث علاوه بر اینکه به این شکل متصور است، مصادیق دیگری نیز دارد؛ از جمله «نیابت در اجرا» که بیشتر در نظام‌های حقوقی امریکا و انگلیس مطرح می‌شود و زمانی تحقق می‌یابد که متعهد (نیابت‌دهنده) شخص ثالثی را برای ارائه اجرا منصوب می‌کند (Treitel, 2003: 758). گاهی به دلایل مختلف انجام بخشی از مفاد قرارداد به‌موجب «قرارداد فرعی» به ثالث محول می‌شود. علاوه بر این، طبق ماده ۲۶۷ ق.م. ثالث می‌تواند به‌طور داوطلبانه خواه با إذن متعهد، خواه بدون إذن وی تعهد را اجرا نماید. یکی دیگر از مفاهیم مشابه، «معامله جایگزین» است که متعهدله پس از نقض تعهد از سوی متعهد، اجرای تعهد را از ثالث دریافت می‌کند و متعهد باید از عهده تفاوت قیمت قرارداد اصلی و معامله جایگزین به‌عنوان خسارت برآید. لذا در معامله جایگزین، ماهیت مبلغ پرداختی خسارت بوده، ارتباطی با موضوع تحقیق حاضر ندارد. همچنین، اجرای تعهد قراردادی به‌وسیله ثالث متفاوت با قاعده فقهی «الحاکم ولی الممتنع» است، زیرا با توجه به مضمون قاعده یادشده، حاکم به‌عنوان نماینده (قائم‌مقامی در مفهوم نیابت) کسی که از اجرای تعهد خودداری کرده است، ایفای نقش می‌کند و ثالث محسوب نمی‌شود. فروض یادشده با آنکه از حیث اجرای تعهد از سوی ثالث وضعیت مشابهی دارد، اما از موضوع تحقیق ما خارج است.

موضع حقوق فرانسه از جمله تحولات قانونی سال ۲۰۱۶ م می‌تواند در تحلیل نهایی قضیه سودمند باشد.

## ۱. شرایط اجرای تعهد از سوی ثالث

در صورت نقض قرارداد از سوی متعهد، زمانی ثالث می‌تواند به منظور اجرای مفاد قرارداد دخالت نماید که شرایط مدنظر قانون‌گذار محقق شود. این شرایط در پرتو مطالعه تطبیقی با نظام حقوقی فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱.۱. نقض قرارداد

یکی از شرایط اجرای تعهد از سوی ثالث در فرض مسئله، نقض قرارداد از جانب متعهد است. منظور از «نقض قرارداد» این است که متعهد نسبت به التزامی که بر اساس قرارداد ایجاد شده است، پایبند نبوده، عهدشکنی کند. ضرورت وجود شرط یادشده را می‌توان در مواد قانون مدنی و سایر قوانین موجود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم احراز کرد؛ از جمله ماده ۲۲۲ ق.م. که با درج عبارت «عدم ایفای تعهد» به‌صراحت امکان اجرای تعهد به‌وسیله خود متعهدله را مقید به عدم اجرا از سوی متعهد نموده است و ماده ۲۳۸ ق.م. که به‌موجب آن و با عطف به ماده ۲۳۷، در صورت تخلف متعهد از شرط فعل مندرج در عقد، تحت شرایطی اجرا از سوی ثالث ممکن می‌شود. هرچند ماده ۲۳۸ در خصوص عدم اجرای شرط فعل ضمن عقد است، ولی از آنجا که شرط مندرج در عقد، تعهد فرعی محسوب می‌شود و متعهد به‌هرحال بایستی ملتزم به آن باشد، پس می‌توان گفت که ضمانت اجرای عدم وفا به شرط به قیاس اولویت، قابل تسری به تعهد اصلی عقد است.

در ماده ۴۷ ق.ا.م. نیز با توجه به عبارت «هرگاه محکوم به انجام عمل معینی باشد...» می‌توان دریافت که متعهد، قرارداد فی‌مابین را نقض کرده و حال، محکوم به انجام تعهدات مدنظر شده است و با وجود این محکومیت از اجرای حکم خودداری می‌کند. افزون بر این، طبق ماده ۳۴ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا، اگر اجرائیه برای انجام تعهدی از قبیل تعمیر بنا صادر شود و متعهد اقدام به آن نکند، اداره ثبت وی را ملزم می‌نماید. عبارت «اجرائیه» حاکی از آن است که متعهد به تعهدات خود پایبند نبوده، نقض عهد کرده است. اگر به‌رغم صدور اجرائیه، متعهد همچنان از اجرای تعهد امتناع کند، متعهدله می‌تواند به هزینه خود تعهد را انجام دهد و هزینه‌های لازم را از سوی اجرای ثبت از متعهد مطالبه و دریافت نماید. قانون‌گذار مدنی فرانسه نیز در ماده ۱۱۴۴ که مشابه ماده ۲۲۲ ق.م. ایران است، مقرر

داشته که متعهدله در موارد عدم اجرا<sup>۱</sup> مجاز است که خود، تعهد را به هزینه متعهد انجام دهد. ماده ۱۱۴۴ قانون مدنی فرانسه از این حیث نسبت به ماده ۱۱۵۴-۲ طرح اصلاحی کاتالا<sup>۲</sup> و ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی ۲۰۱۶م<sup>۳</sup> که اجرای تعهد به وسیله شخصی غیر از متعهد را پیش‌بینی نموده‌اند، دقیق‌تر است؛ چراکه در آن عبارت «عدم اجرا» درج شده است. شایان ذکر است که شخص متعهدله در اعمال ماده ۱۱۴۴ موضوعیت نداشته، بلکه اجرای تعهد می‌تواند به وسیله ثالث نیز صورت گیرد (Vincelles, 2007, n° 143)؛ همان‌طور که از ماده ۲۲۲ ق.م. ایران نیز می‌توان چنین تفسیری را انجام داد.

نکته حائز اهمیت این است که در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، نقض قرارداد دارای یک مفهوم کلی است که علاوه بر عدم اجرای تعهد، اجرای معیوب و ناقص را نیز دربر می‌گیرد. بنابراین، امکان اجرا به وسیله ثالث در این فروع نیز قابل تصور است. اما از آنجا که اجرای توأم با تأخیر در نهایت به وسیله متعهد تحقق می‌یابد، لذا دخالت ثالث در چنین اجرایی منتفی است.

### ۱.۲. قابلیت اجرای تعهد از سوی ثالث

تعهد نقض شده از جانب متعهد باید قابلیت اجرا از سوی ثالث را داشته باشد. امکان اجرای تعهد از سوی ثالث را از جنبه‌های مختلف مانند تعهد از نوع وحدت یا تعدد مطلوب یا تعهدات مثبت و منفی می‌توان مورد توجه قرار داد.

#### ۱.۲.۱. تعهد از حیث مطلوبیت زمان اجرا

موعدی که از سوی طرفین برای اجرای تعهد در نظر گرفته می‌شود به یکی از دو صورت وحدت مطلوب یا تعدد مطلوب خواهد بود. برای آنکه دخالت ثالث در اجرای تعهد موضوعیت یابد، ضرورت دارد که پس از نقض تعهد قراردادی، تعهد و به عبارت دقیق‌تر قرارداد باقی باشد؛ چه

#### 1. Inexécution

۲. ماده ۱۱۵۴-۲ طرح اصلاحی کاتالا مقرر داشته است: «به متعهدله می‌توان اجازه داد تا شخصاً تعهد را اجرا نماید، یا هرآنچه برخلاف آن صورت پذیرفته، از بین ببرد. تمامی هزینه‌ها برعهده متعهد است که در موارد مقتضی می‌تواند پیش‌اپیش برای پرداخت هزینه‌های لازم برای اجرای مزبور محکوم شود». برای آگاهی بیشتر، ر.ک. شعاریان و ترابی، ۱۳۹۳: ۳۵۷.

۳. ماده ۱۲۲۲ اصلاحی قانون مدنی ۲۰۱۶م مقرر می‌دارد: «پس از اخطار رسمی، متعهدله می‌تواند طی زمان معقول و با هزینه معقول، خود، تعهد را اجرا نماید یا با اجازه قبلی دادگاه، آنچه در نقض تعهد صورت گرفته از بین ببرد. او می‌تواند پرداخت هزینه‌های صورت‌گرفته را از متعهد مطالبه کند. او همچنین می‌تواند در دادگاه بابت پیش‌پرداخت مبالغ لازم برای این اجرا یا انهدام از سوی متعهد، اقامه دعوا کند».

آنکه بدون وجود قرارداد امکان اجرای تعهد از سوی ثالث منتفی است. بنابراین می‌توان گفت که هرگاه تعهد از نوع تعدد مطلوب باشد و متعهد آن را نقض نماید، تحت شرایط مقرر قانونی که در این نوشتار به آن اشاره شده است، با دخالت ثالث نیز می‌توان تعهد را اجرا نمود. اما چنانچه تعهد از نوع وحدت مطلوب باشد، با انقضای موعد و عدم اجرای تعهد از سوی متعهد، نه‌تنها اجرای تعهد از سوی ثالث امکان‌پذیر نیست، بلکه اجرای آن از سوی متعهد اصلی نیز منتفی خواهد بود؛ زیرا در چنین حالتی پس از نقض تعهد، قرارداد منحل می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۱.۲.۲. تعهد به فعل یا ترک فعل (مادی یا حقوقی)

با در نظر گرفتن اینکه ثالث مبادرت به اجرای تعهدی می‌کند که برعهده متعهد اصلی بوده است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا موضوع تعهد شامل هرگونه تعهد اعم از فعل مثبت یا منفی بوده یا اینکه قابلیت اجرای تعهد از سوی ثالث فقط در خصوص تعهد مثبت امکان‌پذیر است؟ افزون بر این، آیا چنین اجرایی اختصاص به تعهدات مادی دارد یا در تعهدات حقوقی نیز قابل تصور است؟

در پاسخ به پرسش اول، از ظاهر ماده ۲۳۸ ق.م. چنین برمی‌آید که انجام تعهد از سوی ثالث ناظر بر عمل مثبت است، اما با دقت در قسمت اخیر ماده ۲۳۴ ق.م. که مقرر داشته است: «... شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود»، می‌توان گفت عبارت «فعل» در قانون مدنی ایران در خصوص شروط و تعهدات در معنای اعم آن استعمال شده است. علاوه بر قاعده کلی یادشده، طبق ماده ۲۳۷ اگر شخصی به‌رغم التزام به انجام شرط فعل (اثباتاً یا نفیاً) از انجام آن خودداری نماید، امکان اجبار وی به وفای آن وجود دارد. در تعهدات منفی، تقاضای از بین بردن آنچه در جهت نقض تعهد ایجاد شده است، مصداقی از الزام تلقی می‌شود. حال اگر با وجود اجبار، مشروط‌علیه همچنان از اجرای شرط امتناع نماید، بر اساس مفاد ماده ۲۳۸ موجبات انجام آن به هزینه وی فراهم می‌آید. لذا در خصوص تعهد ترک فعل نیز متعهدله می‌تواند آثار تخلف متعهد را خود شخصاً یا به‌وسیله شخص دیگری از بین ببرد و هزینه‌های متحمل شده را از متعهد دریافت نماید (لنگرودی، ۱۳۸۹: ۳۰۵). برای مثال، هرگاه همسایه شخصی تعهد کند که دیوار منزل خود را با ارتفاع بیش از ۳ متر احداث نکند، متعهدله در صورت تخلف و پس از الزام همسایه به تخریب

۱. هرچند قانون مدنی تکلیف قرارداد را در حالت نقض تعهد از نوع وحدت مطلوب روشن نکرده است، اما برخی معتقدند بعد از انقضای موعد، اجرای تعهد غیرممکن شده، به این دلیل تعهد ساقط و قرارداد منحل می‌شود (صفایی، ۱۳۹۳: ۲۰۸؛ کاتوزیان، ۱۳۹۳ «الف»: ۱۴۷). عده‌ای نیز بر این باورند هرگاه انجام تعهد در موعد مقرر به نحو وحدت مطلوب مورد قصد انشا بوده باشد، در صورت عدم اجرا، قرارداد باطل خواهد بود (امامی، ۱۳۹۱: ۴۹۸).

قسمت زائد و خودداری وی، خود می‌تواند تحت نظر دادگاه به هزینه متعهد به تخریب آن قسمت اقدام نماید یا این اقدام را به وسیله شخص ثالثی انجام دهد.

با اینکه برخی در تفسیر ماده ۴۷ ق.ا.م. اشاره‌ای به این امر نکرده‌اند (شمس، همان: ۷۱۵)، اما برخی معتقدند که ماده یادشده شامل تعهد به ترک فعل نیز می‌شود (رودیجانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). از آنجا که قانون اجرای احکام مدنی باید از قانون مدنی به‌عنوان قانون مادر تبعیت کند، به‌نظر می‌رسد ابهامی در خصوص امکان اجرای تعهد ترک فعل از سوی ثالث وجود نخواهد داشت. در قانون مدنی فرانسه قبل از اصلاحات ۲۰۱۶م، قابلیت اجرای تعهد از سوی ثالث در هر دو نوع تعهد به فعل و ترک فعل در مواد ۱۱۴۴ و ۱۱۴۳ پیش‌بینی شده بود. به‌موجب ماده ۱۲۲۲ اصلاحی ۲۰۱۶م قانون مدنی فرانسه نیز که جایگزین ماده ۱۱۴۳ شده است، متعهدله می‌تواند با اجازه قبلی قاضی، آنچه را که در جهت نقض تعهد صورت گرفته است به هزینه متعهد از بین ببرد. طبق ماده ۲-۱۱۵۴ طرح اصلاحی کاتالا، متعهدله می‌تواند شخصاً تعهد را انجام داده یا هر آنچه که برخلاف آن صورت گرفته است، از بین ببرد (John Cartwright & et al, 2009: 280). اجرای تعهد به فعل و ترک فعل از سوی ثالث در حقوق کشورهای دیگر نیز پیش‌بینی شده است؛ از جمله به‌موجب بند ۱ ماده ۹۸ قانون تعهدات سوئیس، در صورت نقض تعهد از جانب متعهد، متعهدله می‌تواند تعهد را به هزینه متعهد انجام دهد و بر اساس بند ۳ همان ماده، متعهدله حق دارد با تحصیل اجازه، وضعیتی را که بر اثر تخلف متعهد به‌وجود آمده به هزینه وی به حال سابق بازگرداند. طبق ماده ۲۰۹ قانون مدنی مصر نیز اگر متعهد از اجرای تعهد به فعل جلوگیری کند و تعهد یادشده به وسیله شخص دیگری قابل اجرا باشد، متعهدله می‌تواند از دادگاه مجوز اجرای تعهد به هزینه متعهد را کسب نماید. در ماده ۲۱۲ قانون یادشده نیز نقض تعهد ترک فعل و امکان از بین بردن آنچه در جهت نقض تعهد صورت گرفته، برای متعهدله به هزینه متعهد پیش‌بینی شده است (سنه‌وری، بی‌تا: ۷۹۱).

با توجه به مصادیق اجرای تعهد از سوی ثالث در مواد قانونی، تردیدی در امکان اجرای تعهدات مادی به وسیله ثالث وجود ندارد. بر اساس مواد ۱۰ و ۲۰ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ و ۱۳۶۲ش و همچنین ماده ۴۸۶ ق.م. در صورت عدم انجام تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره به وسیله مؤجر، مستأجر می‌تواند الزام وی را از دادگاه بخواهد. هرگاه مؤجر از اجرای حکم دادگاه امتناع نماید، طبق مواد ۲۱ و ۱۱ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۲ و ۱۳۶۵ش، ممکن است با استفاده از اجاره‌بها یا فروش سایر اموال مؤجر، وسایل اجرای حکم فراهم گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۳ «ب»: ۱۵۶ و ۲۲۸). این وضعیت دقیقاً به این معنی است که مستأجر با نظارت دادگاه تعمیرات را شخصاً یا از طریق ثالث انجام می‌دهد. بنابر دیدگاهی، در بیع از روی نمونه، اگر مبیع کلی مطابق نمونه نباشد، مشتری هنگامی حق فسخ معامله را خواهد داشت که الزام فروشنده



به ارائه مبیع مطابق نمونه امکان نداشته باشد و به وسیله شخص دیگری نیز نتوان مبیع را تهیه کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۳ «ب»: ۵۳). در واقع، تسلیم مبیع می‌تواند به وسیله ثالث نیز صورت گیرد و همان نمونه مدنظر خریدار از طریق ثالث به دست آید؛ مانند موردی که ثالث مبیع کلی فی‌الذمه را از بازار تهیه کرده، تسلیم خریدار می‌کند. البته باید توجه داشت که اگر مبیع عین معین باشد، به لحاظ تعلق اراده طرفین بر مصداق خاص، اجرا از سوی ثالث متصور نخواهد بود.

چنانچه موضوع تعهد انجام عمل حقوقی باشد، مانند آنکه شخص به موجب قرارداد متعهد می‌شود در آینده با دیگری عقد بیعی را منعقد سازد (نظیر موردی که در قولنامه‌ها که مصدق‌ای از تعهد به بیع است ملاحظه می‌شود)، ولی از اجرای آن خودداری می‌نماید، دادگاه نماینده‌ای تعیین می‌کند تا به نمایندگی از محکوم‌علیه، حکم را اجرا کرده، عمل حقوقی موردنظر را به جا آورد و تمامی هزینه‌های لازم از محکوم‌علیه گرفته شود (شمس، همان: ۷۲۲؛ شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). اگر محکوم به ترک فعل حقوقی باشد، مانند محکومیت به خودداری از انعقاد عقد اجاره در خصوص محل معین، و محکوم‌علیه با وجود ابلاغ اجرائیه، مبادرت به انعقاد عقد کند، محکوم‌له صرفاً می‌تواند دعوی اعلام بطلان اقامه کرده، درخواست ابطال معامله نماید (شمس، همان: ۷۲۳). چنانچه ملاحظه می‌شود، در نظام حقوقی ما دخالت ثالث در اعمال حقوقی قابل تصور نیست.

در نظام حقوقی فرانسه، اجرای تعهد از سوی ثالث به تعهدات مادی محدود می‌شود؛ به طوری که دکترین حقوق فرانسه بر این باورند در راستای اعمال ماده ۱۱۴۴ قانون مدنی فرانسه، مستأجر می‌تواند تعمیرات لازم در عین مستأجره را که برعهده مؤجر است، در صورت امتناع وی، خود یا به وسیله ثالث و به هزینه مؤجر انجام دهد (Damas, 2012: n°179)؛ Vincelles, op. cit: n° 143). این امر در رویه قضایی فرانسه نیز مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>۱</sup> علاوه بر این، اگر متعهدی که تعهد به انتقال مالکیت مال کلی نموده، از تسلیم مال که یک شکل خاصی از تعهد به فعل مادی است خودداری کند، متعهدله حق دارد طبق ماده ۱۱۴۴، مشابه آن مال را به هزینه متعهد از تأمین‌کننده دیگر دریافت کرده، جایگزین نماید (Légier, 2012: n° 211; Oliver, 2012: n° 335). البته این اقدام تحت عنوان معامله جایگزین<sup>۲</sup> که متفاوت با بحث ما است، قرار نمی‌گیرد.

همین امر در ماده ۲۰۵ قانون مدنی مصر نیز پیش‌بینی شده است؛ به این شرح که اگر متعهد تعهد راجع به انتقال مالکیت مال کلی و تسلیم آن را نقض کند، متعهدله می‌تواند به موجب حکم دادگاه و در موارد فوری حتی بدون چنین حکمی، به هزینه متعهد مثل همان مال را تحصیل کند (سنهوری، همان: ۷۹۱).

1. Case No.99-21127, Court of Appeal, 2001, Available at: <https://www.legifrance.gouv.fr/affichJuriJudi.do?idTexte=JURITEXT000007432023>.  
2. Substitute Transaction

بدیهی است اجرای تعهد از سوی ثالث در تعهدات پولی موضوعیت ندارد، چراکه اگر بناست اموال محکوم‌علیه به علت عدم اجرای حکم وسیله وصول محکوم‌به قرار گیرد، نیازی به دخالت ثالث نیست.

### ۱.۳. صدور حکم الزام به ایفای تعهد از سوی دادگاه

به‌عنوان قاعده کلی، اجرای تعهد از طریق متعهدله یا ثالث نیازمند صدور حکم لازم‌الاجرا از سوی مرجع صالح است.<sup>۱</sup> بدیهی است در صورت اثبات نقض تعهد، دادگاه حکم به الزام متعهد به اجرای تعهد مطابق شرایط قرارداد خواهد داد. در چنین وضعی، اگر محکوم‌علیه به‌رغم حکم صادره از سوی دادگاه به امتناع خود ادامه دهد، شرایط برای رجوع به ثالث و امکان اجرای تعهد به‌وسیله او تحت ضوابط قانونی فراهم خواهد شد؛ پس دخالت ثالث صرفاً پس از عدم تمکین متعهد به حکم دادگاه قابل تصور است.

مفاد ماده ۴۷ ق.ا.ا.م. با ماده ۲۳۸ ق.م. در این خصوص تفاوت جزئی دارد، زیرا در ماده ۴۷ ق.ا.ا.م. استفاده از اجرای دیگران به هزینه ملتزم به صرف امتناع وی از اجرای حکم کافی است، در حالی که طبق ماده ۲۳۸ ق.م. زمانی می‌توان این قاعده را جاری نمود که اجبار ملتزم مقدور نباشد. به عقیده برخی حقوق‌دانان تعارض یادشده جنبه نظری داشته، قابل رفع است؛ زیرا اگر تعهد به انتقال و تحویل عین را از تعهد به انجام سایر افعال تفکیک نماییم، در بسیاری از موارد، اجبار شخص به انجام دادن کار مقدور نبوده، با موانع اخلاقی و عملی گوناگونی روبرو می‌شود. قانون اجرای احکام مدنی میان تعهد به انتقال و تحویل عین با تعهد به انجام سایر افعال، تمیز قائل شده است؛ چنان‌که در ماده ۴۲ در مورد تسلیم عین معین مقرر می‌دارد: «... هرگاه تسلیم آن به محکوم‌له ممکن باشد، دادورز عین آن را گرفته و به محکوم‌له می‌دهد»، ولی ماده ۲۳۸ ق.م. این تقسیم را در نظر نگرفته و مفاد آن عام‌تر است؛ به‌طور کلی می‌توان گفت دو ماده دارای مفهوم یکسان هستند (کاتوزیان، ۱۳۹۳ «الف»: ۱۲۱).

در تأیید این نظر می‌توان افزود که غیرمقدور بودن اجبار ملتزم به انجام فعل مشروط (ماده ۲۳۸ ق.م.) نمی‌تواند مفهوم دیگری جز امتناع وی از انجام تعهد داشته باشد، زیرا در حالتی که اجرای تعهد مقدور نیست (مانند وضعیت فورس ماژور)، اساساً تعهد منتفی است. همچنین، قسمت دوم ماده ۲۳۸ ق.م. اشاره به مقدور بودن اجرای تعهد به‌وسیله شخص دیگری دارد و این دقیقاً بیانگر آن است که خود تعهد مقدور است، بلکه مشروط‌علیه از انجام آن خودداری می‌ورزد.

۱. هرچند اصولاً حکم از سوی دادگاه صادر و به‌وسیله واحد اجرای احکام اجرا می‌شود، با این حال، در مواردی که طرفین اختلاف خود را به شیوه داوری حل‌وفصل می‌کنند، رأی داور نیز لازم‌الاتباع بوده، در فرض مورد بحث قابلیت اجرا خواهد داشت.

طبق مقررات حقوق فرانسه نیز متعهدله باید ابتدا از متعهد اجرای تعهد را طلب کند و پس از خودداری وی از اجرا، می‌تواند به ثالث مراجعه نماید (Brunet, 2013: 25). بنابراین، صدور حکم الزام به اجرا و عدم تمکین متعهد به حکم، جهت رجوع به ثالث شرط لازم تلقی می‌شود.

#### ۱.۴. تجویز دادگاه

پس از امتناع محکوم‌علیه از اجرای حکم دادگاه، متعهدله برای دستیابی به اجرای ثالث به اجازه مقام قضایی نیازمند است. طبق ماده ۴۷ ق.ا.م. در صورت خودداری محکوم‌علیه از انجام عمل، محکوم‌له صرفاً تحت نظر مأمور اجرا می‌تواند از اجرای ثالث بهره‌مند گردد. به موجب ماده ۲۲۲ ق.م. نیز اجرای تعهد نقض شده از جانب متعهد به وسیله متعهدله بدون تجویز دادگاه امکان‌پذیر نیست. البته اجرا از سوی خود متعهدله در این ماده موضوعیت ندارد و در بسیاری از موارد، متعهدله توانایی و تخصص اجرای تعهد را نداشته، ناگزیر از مراجعه به ثالث و تقاضای اجرا از سوی وی است (شعاریان و ترابی، همان: ۳۵۹). کسب اجازه از دادگاه در این خصوص مستلزم اقامه دعوی جداگانه نیست و دادگاه پس از احراز امتناع محکوم‌علیه از اجرای حکم در صورت وجود سایر شرایط، اجازه اجرا از سوی ثالث را به متعهدله می‌دهد.

طبق ماده ۲۳۸ ق.م. نیز در صورت نقض شرط فعل، حاکم می‌تواند موجبات انجام شرط را فراهم نماید. تجویز دادگاه در فرض یادشده در نظام حقوقی ایران حائز اهمیت است؛ تاجایی که برخی بر این باورند که اگر محکوم‌له با اجازه دادگاه و با هماهنگی دایره اجرا به انجام تعهد مبادرت نکند، بعید نیست آن را مشمول ایفای دین از جانب غیرمدیون بدانند و چون بدون إذن بوده، برای آنچه هزینه شده است نتوان به محکوم‌علیه رجوع کرد (مهاجری، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

در قانون مدنی ۱۸۰۴م فرانسه، مجوز قضایی شرط دستیابی به اجرای تعهد به وسیله ثالث تلقی نشده است، اما بر اساس رویه قضایی موجود، متعهدله باید برای اعمال ماده ۱۱۴۴ مجوز قضایی را کسب نماید؛ حتی علاوه بر آن، اخطار رسمی هم که اخیراً در قانون مدنی ۲۰۱۶م به صراحت پیش‌بینی شده است، الزامی تلقی می‌شود. طبق ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی فرانسه نیز ممکن است به متعهدله اجازه داده شود آنچه را در جهت تخلف از تعهد انجام یافته است به هزینه متعهد زایل نماید. در ماده ۲-۱۱۵۴ طرح اصلاحی کاتالا، از واژه «اجازه» می‌توان دریافت که انجام هر دو نوع تعهد (مثبت و منفی)، نیازمند مجوز از سوی مقام رسیدگی است. با این حال، دکترین حقوق فرانسه بر این باور است که در شرایط اضطراری، متعهدله بدون أخذ مجوز قضایی می‌تواند اجرای تعهد به وسیله ثالث را به دست آورد (Picod, 2011: n° 39; Damas, op. cit: n° 179). البته عدم ضرورت کسب مجوز قضایی صرفاً در خصوص تعهدات به فعل پیش‌بینی شده است و شامل تعهد ترک فعل نیست.

در سال ۲۰۱۶م با توجه به اصلاحات صورت گرفته در قانون مدنی فرانسه، به طور کلی ضرورت تجویز قضایی برای اجرای تعهد از سوی شخصی غیر از متعهد در خصوص تعهد به فعل از میان برداشته شد. زیرا بر اساس ماده ۱۲۲۲ این قانون که مقرر می‌دارد: «پس از اخطار رسمی، متعهدله می‌تواند طی یک زمان معقول و با هزینه معقول، خودش تعهد را اجرا کند یا با اجازه قبلی قاضی آنچه را که در نقض تعهد انجام یافته، از بین ببرد...»، متعهدله می‌تواند به صورت یک‌جانبه و بدون اینکه ضرورتی به مراجعه قبلی به دادگاه باشد، تعهد را اجرا کند. با این حال، در این ماده تغییر جهت صورت گرفته، با قید «زمان و هزینه معقول» تعدیل شده و ضرورت «هزینه معقول» به ایجاد تعادل در منافع انجامیده است. هزینه‌هایی که برعهده متعهد قرار می‌گیرد، نباید به گونه‌ای باشد که متعهدله از طریق اجرا از جانب شخصی غیر از متعهد، اجرای ارزشمندتری نسبت به اجرایی که می‌بایست به وسیله متعهد صورت می‌گرفت، دریافت کند (Whittaker & Cartwright, 2017: 264). تغییر جهت صورت گرفته در قانون جدید که در راستای تسهیل و تسریع اجرای تعهد پیش‌بینی شده است، به رغم مزایایی که برای متعهدله دارد در عمل ممکن است موجب اضرار متعهد شود. از این رو، برخی از نویسندگان بر این باورند که از یک طرف، درخواست قبلی به دادگاه هنوز این مزیت را دارد که روند رسیدگی را قابل اعتمادتر نماید و از طرف دیگر، اگر دادگاه از پیش مداخله نکند، بعداً در عمل ممکن است به منظور اخذ هزینه‌های متحمل شده به وسیله متعهدله دخالت کند (Ibid: 281). این تغییر جهت جزئی است، زیرا نیاز به مجوز قبلی قاضی برای متعهدله برای از بین بردن آنچه در راستای نقض تعهد انجام یافته، محفوظ است (Essie de kelle, 2017: n° 4; François, 2016: n° 5).

گفتنی است هرچند در ماده ۱۲۲۲ قانون ۲۰۱۶م مجوز قضایی برای اجرای تعهد از سوی ثالث مورد اشاره قرار نگرفته است، اما با توجه به عبارت «اخطار رسمی» درج شده در ابتدای ماده، متعهدله باید اجرای تعهد را به طور جدی از متعهد درخواست کند. اخطار رسمی می‌تواند به شکل ارسال نامه حاوی درخواست اجرا باشد. پس از این اخطار، متعهدله می‌تواند خود یا از طریق ثالث تعهد را انجام دهد. این مهم احتمالاً برای جلوگیری از سوءاستفاده در اعمال اختیار یادشده ارائه شده است (Essie de kelle, op. cit: n°5). رویه قضایی فرانسه با در نظر گرفتن صراحت ماده ۱۲۲۲، ضرورت ارسال اخطار رسمی را مورد تأکید قرار داده، به نحوی که محاکم تجدیدنظر این کشور به دلیل عدم ارسال چنین اخطاری از سوی متعهدله، محکومیت متعهد به پرداخت هزینه‌های اجرای تعهد را که در دادگاه بدوی مورد حکم قرار گرفته بود، نقض کرده‌اند<sup>۱</sup>.

1. Case No. 89-19866, Court of Appeal, 1991, Available at: <https://www.legifrance.gouv.fr/affichJuriJudi.do?idTexte=JURITEXT000007026013>; Case No. 95-16017, Court of Appeal, 1997, Available at: <https://www.legifrance.gouv.fr/affichJuriJudi.do?idTexte=JURITEXT000007037901>; Case No. 04-20142, Court of Appeal, 2006, Available at: <https://www.legifrance.gouv.fr/affichJuriJudi.do?idTexte=JURITEXT000007050908>.

در نظام حقوقی ایران چنین استثنایی برای تحصیل مجوز قضایی پیش‌بینی نشده، اما در برخی موارد تدابیر خاصی در صورت وجود حالت فوریت و شرایط اضطراری در نظر گرفته شده است. طبق ماده ۵۱ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا، در صورتی که مال بازداشت و به حافظ سپرده شود، هرگاه شرایطی حاکم گردد که می‌بایست قبل از کسب‌اِذن از اداره ثبت، هزینه‌ای بابت حفاظت مال پرداخت گردد، حافظ می‌تواند از اموال خود داده، با تسلیم مدارک به اداره ثبت احتساب کند. ملاحظه می‌شود که در صورت وجود فوریت، نیازی به کسب‌اِذن نبوده، قبل از این امر امکان صرف هزینه لازم وجود خواهد داشت.

البته به‌طور کلی می‌توان با استفاده از مبانی فقهی و حقوقی، وجود چنین استثنایی را در خصوص کسب مجوز قضایی توجیه نمود. طبق قاعده «وجوب دفع ضرر محتمل»<sup>۱</sup> اگر انسان درباره امری احتمال ضرر دهد، از نظر عقلی دفع آن ضرر محتمل واجب است (خویی، ۱۴۱۷ق: ۸۹؛ غروی نائینی، ۱۳۶۵: ۱۷۵). ممکن است در شرایط اضطراری، به‌تعمیق انداختن اجرای تعهد جهت کسب مجوز قضایی برای متعهدله زیان‌بار باشد؛ بنابراین بر اساس مفاد قاعده یادشده، متعهدله می‌تواند به‌منظور جلوگیری از ضرر احتمالی، اجرای تعهد به‌وسیله ثالث را بدون نیاز به کسب مجوز قضایی دریافت نماید. علاوه بر این، طبق قاعده تقلیل خسارت<sup>۲</sup>، متعهدله باید اقدام متعارف و معقولی را که برای کاستن از خسارت لازم است انجام دهد. هرچند قاعده یادشده ریشه در نظام حقوقی کامن‌لا دارد و در مقررات حقوق ایران در مورد این قاعده تصریحی وجود ندارد، اما در برخی مواد قانونی از جمله ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ش می‌توان آثار آن را از اجرای این قاعده را مشاهده کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۰۶). بنابراین، پس از نقض تعهد، متعهدله در راستای کاهش خسارات وارده بایستی مجاز باشد تا در موارد فوری بدون مجوز قضایی از اجرای تعهد به‌وسیله ثالث بهره‌مند شود. در چنین وضعی، اقدام فوری متعهدله نه‌تنها به نفع اوست، بلکه با منافع متعهد نیز همسو است، زیرا با توجه به امکان افزایش هزینه‌ها اقدام فوری می‌تواند هزینه‌های اجرایی کمتری را به متعهد تحمیل نماید.

۱. در خصوص میزان ضرری که دفع آن طبق قاعده یادشده واجب است، اختلاف نظر وجود دارد. از تعابیر برخی از اصولیون چنین برمی‌آید که مراد از «ضرر محتمل» زیان احتمالی است؛ خواه احتمال زیان اندک و در حد وهم و شک باشد و خواه احتمال زیان زیاد و در حد ظن باشد (نراقی، ۱۳۷۵: ۴۱۴؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱۱۷) اما عده‌ای دیگر بر این باورند که منظور از کلمه «محتمل» در قاعده مذکور «ظن» است؛ به‌طوری که از این قاعده با عنوان قاعده «دفع ضرر مظنون» نیز یاد می‌کنند. بنابراین جلوگیری از ضرری را واجب و ضروری می‌دانند که در صورت عدم پیشگیری، احتمال قوی بر وقوع آن داده می‌شود (عراقی، ۱۴۰۵ق: ۱۴۳؛ غروی نائینی، همان: ۱۷۵؛ خویی، همان: ۲۱۵).

2. Mitigation of Damages

بر اساس بند ۲ ماده ۲۰۹ قانون مدنی مصر نیز در شرایط اضطراری متعهدله می‌تواند بدون اجازه محکمه، تعهد را به هزینه متعهد انجام دهد. اگر تعویق اجرای عین تعهد تا زمان صدور اجازه ممکن نباشد، متعهدله می‌تواند بدون اجازه دادگاه تعهد را به وسیله دیگری انجام داده، بابت هزینه‌های متحمل شده به متعهد رجوع کند (سنهوری، همان: ۷۹۲).<sup>۱</sup> اما در خصوص تعهد به ترک فعل، متعهدله حق ندارد حتی در حالت ضرورت بدون کسب مجوز به از بین بردن آنچه در جهت نقض تعهد صورت گرفته است، اقدام نماید؛ به این دلیل که این اقدام، تعدی محسوب شده، صحیح نیست که بدون مجوز قضایی صورت گیرد (همان: ۷۹۸).

## ۲. ماهیت اجرای تعهد از سوی ثالث

با در نظر گرفتن شرایط لازم برای اجرای تعهد از سوی ثالث، ماهیت اجرای چنین تعهدی را می‌توان در مرتبه بعدی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نویسندگان ما در مورد ماهیت اجرای تعهد از سوی ثالث در فرض مسئله به صراحت متعرض مطلب نشده‌اند، اما معتقدند آنچه برای متعهدله در انعقاد قرارداد حائز اهمیت است، دستیابی به اجرای تعهدات ناشی از آن است. لذا در تعهداتی که قائم به شخص نبوده و مباشرت نیز شرط نشده است، روش رسیدن به این مقصود و اینکه چه کسی تعهد را اجرا می‌کند، برای متعهدله چندان مهم نیست (صفایی، همان: ۲۳۹؛ شهیدی، ۱۳۹۵: ۳۱؛ کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۰۵). بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که حتی اگر شخصی غیر از متعهد، تعهد را اجرا نماید، در واقع تعهدی را که بر ذمه متعهد قرار داشته به اجرا درآورده و دارای همان ماهیت اجرای عین تعهد است؛ درست مشابه وضعیتی که حاکم نیز به جای ممتنع نسبت به اجرای حکم الزام به ایفای تعهد اقدام می‌نماید. در نظام حقوقی فرانسه امکان اجرا از سوی ثالث که در ماده ۱۱۴۴ قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی شده است، به‌طور کلی با عنوان اجرای جایگزین<sup>۲</sup> و نوعی از اجرای عین تعهد<sup>۳</sup> شناخته

۱. در نظام حقوقی لبنان نیز طبق ماده ۲۵۰ موجبات و عقود، عدم لزوم کسب إذن از دادگاه برای چنین اجرایی پیش‌بینی شده است (ابراهیم سعد، ۱۹۹۸م: ۳۳ و ۳۴). طبق ماده ۲۴۸ قانون مدنی عراق، اگر متعهد به تعهد خود راجع به انتقال مالکیت یا هرگونه حق عینی دیگر از شیء کلی فی‌الذمه عمل نکند، متعهدله می‌تواند بعد از إذن محکمه یا بدون إذن آن در موارد اضطراری، مثل آن شیء را خود به هزینه متعهد به‌دست آورد. بر اساس بند اول ماده ۲۵۰، اگر متعهد تعهد به فعل را نقض کند و اجرای شخصی وی ضرورتی نداشته باشد، متعهدله می‌تواند بابت اجرای تعهد به هزینه مدیون، از محکمه إذن بگیرد. اما در بند دوم ماده یادشده ضرورت کسب إذن از محکمه در شرایط اضطراری از میان برداشته شده است (حکیم، بی‌تا، ص ۸ و ۹).

2. Faculté de Remplacement

3. Exécution en Nature

می‌شود<sup>۱</sup> که نسبت به تعهدات به فعل و ترک فعل اعمال می‌گردد (Brunet, op. cit: 31)؛ به این معنا که دستیابی به اجرا از جانب شخص دیگری غیر از خود متعهد فراهم می‌شود که این شخص می‌تواند متعهدله یا ثالث باشد (Cartwright, 2009: 443)؛ Cartwright & Whittaker, op. cit: 258. در واقع، یک نوع مکانیسم قضایی پیش‌بینی شده است که به وسیله آن متعهدله می‌تواند اجرای قرارداد را از شخصی غیر از متعهد دریافت کند (Rowan, 2012: 116).

اگرچه در ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی ۲۰۱۶م فرانسه به جایگزینی و اجرای عین تعهد اشاره‌ای نشده، ولی مکانیزمی که به وسیله این ماده توصیف گردیده، مسلماً اجرای عین تعهد به وسیله ثالث است و تحت مجموعه «اجرای اجباری عین تعهد» قرار می‌گیرد. برخی از نویسندگان معتقدند متعهد خواه از طریق پیش‌پرداخت مبالغ لازم برای اجرای جایگزین، خواه به شیوه پرداخت هزینه‌ها پس از این اجرا، از تعهد خود بری می‌گردد و در واقع تعهد او تبدیل به یک تعهد پولی می‌شود و نمی‌توان چنین اجرایی را اجرای عین تعهد دانست. به‌رغم وجود چنین دیدگاهی، گسترش مفهوم اجرای اجباری عین تعهد برای تحت پوشش قراردادن حالتی که اجرا به وسیله شخصی غیر از متعهد صورت می‌گیرد، از سوی اکثریت نویسندگان تأیید شده است (Whittaker & Cartwright, op. cit: 258, 272).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، به‌نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز همانند حقوق فرانسه، اجرای تعهد از سوی ثالث از مصادیق اجرای عین تعهد به‌شمار می‌رود؛ چراکه ماده ۲۲۲ ق.م. ایران از ماده ۱۱۴۴ ق.م. فرانسه اقتباس شده و دارای همان مفهوم پذیرفته در این کشور است. لذا در چنین وضعی نمی‌توان موضوع فسخ قرارداد و اجرای قرارداد از سوی شخص دیگر را مطرح کرد، بلکه آنچه مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد، درحقیقت حکم اولیه الزام به ایفای تعهد قراردادی (با فرض بقای قرارداد) است که در مرحله اجرای حکم، اجرای تعهد از سوی متعهدله یا ثالث صورت می‌پذیرد.

### ۳. آثار اجرای تعهد از سوی ثالث

با توجه به ماهیت اجرای تعهد از سوی ثالث، می‌توان گفت که آثار مترتب بر آن، همان آثار اجرای عین تعهد است؛ اما از آنجا که اجرای ثالث می‌تواند هزینه‌ای اضافی دربر داشته باشد، در کنار سایر نتایج کلی، موضوع هزینه‌های چنین اجرایی را نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد.

۱. شایان ذکر است که اجرای جایگزین مطرح‌شده در حقوق فرانسه متفاوت با بحث معامله جایگزین است، زیرا همان‌طور که در مطالب پیشین اشاره شد، در اجرای جایگزین (Faculté de remplacement) قرارداد منحل نشده، همان تعهدی که بر ذمه متعهد قرار گرفته است اجرا می‌شود.

### ۳.۱. سقوط تعهد متعهد

اثر اصلی اجرای تعهد از سوی ثالث، بری‌الذمه شدن متعهد از تعهد ناشی از قرارداد فی‌مابین او و متعهدله است. هدف اصلی متعهدله در برخی از قراردادها، رسیدن به اجرای کامل تعهد است؛ هرچند اجرای یادشده را از شخص متعهد دریافت نکند. رسیدن به اجرای تعهد هنگامی که خصوصیات شخصی متعهد مد نظر متعهدله نیست موضوعیت دارد و راه و روش آن اهمیت چندانی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۰۵). بنابراین، بر اساس نص قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی، متعهدله می‌تواند از طریق شخصی غیر از خود متعهد به این هدف برسد. پس از اینکه ثالث تعهد را انجام داد، متعهد بری‌الذمه می‌شود؛ ثالث همان تعهدی را ایفا می‌کند که متعهد برعهده داشته، و روشن است که نمی‌توان اجرای تعهدی را که صورت گرفته است، دوباره از متعهد درخواست کرد.

در حقوق فرانسه نیز از آنجا که ماهیت اجرای تعهد از جانب ثالث در فرض نقض تعهد از سوی متعهد، اجرای عین تعهد شناخته شد، لذا با اجرای تعهد به‌وسیله شخصی غیر از متعهد، همان تعهدی که بر ذمه متعهد بوده است به‌مرحله اجرا درمی‌آید و تعهد وی ساقط می‌شود (Whittaker & Cartwright, op. cit: 258).

### ۳.۲. پرداخت هزینه‌های اجرا از سوی متعهد

همان‌طور که در مواد ۲۲۲ و ۲۳۸ ق.م.م، ماده ۴۷ ق.ا.ا.م. و ماده ۳۴ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا اشاره شده است، اثر دیگری که در خصوص اجرای ثالث پس از نقض قرارداد بررسی می‌شود، پرداخت هزینه‌هایی است که متعهدله برای دستیابی به اجرا از سوی ثالث متحمل شده است و متعهد بایستی از عهده چنین هزینه‌هایی برآید<sup>۱</sup>.

۱. در مقام اجرای تعهد از سوی ثالث، بدیهی است که هزینه اجرا بر اساس قیمت متعارف زمان اجرا محاسبه و به ثالث پرداخت خواهد شد و در صورتی که هزینه اجرا بیشتر از قیمت قراردادی باشد، این هزینه اضافی با رجوع به اموال محکوم‌علیه تأمین خواهد شد. حال اگر محکوم‌علیه (متعهد) مالی برای پرداخت این هزینه‌ها نداشته باشد، به نظر برخی، اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ ش‌میسر نخواهد بود. چراکه بر اساس ماده ۴۷ ق.ا.ا.م. در مورد این هزینه‌ها حکمی صادر نشده و برای اعمال ماده ۳ قانون پیش‌گفته در این خصوص لازم است محکوم‌له برای مطالبه هزینه‌ها جداگانه طرح دعوا نموده، پس از صدور حکم و قطعیت آن از مفاد این ماده استفاده کند (مهاجری، همان: ۲۰۰)، اما عده دیگر بر این باورند که به لحاظ اینکه هزینه‌های تعیین‌شده از سوی دادگاه همان محکوم‌به بوده و فقط مصداقش تغییر یافته است، در امکان اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تردیدی وجود ندارد (حیاتی، ۱۳۹۴: ۱۳۷). طبق ذیل ماده ۴۷، وصول هزینه‌های یادشده از محکوم‌علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم‌به نقدی مقرر است، لذا در



متعهدله پس از اجرای تعهد از سوی ثالث هزینه‌های صورت‌گرفته را از متعهد مطالبه می‌کند، اما از ماده ۴۷ ق.ا.م. استنباط می‌شود که این امر مستلزم طرح دعوی نیست؛ زیرا طبق ماده یادشده، دادگاه صادرکننده اجرائیه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می‌کند و اجازه وصول آن را از محکوم‌علیه، مانند ترتیبی که برای وصول محکوم‌به نقدی پیش‌بینی شده است، می‌دهد.

طبق ماده ۳۴ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا نیز پس از الزام متعهد به مفاد اجرائیه از سوی اداره ثبت و عدم اقدام متعهد، متعهدله به هزینه خود تعهد را انجام داده، کلیه هزینه‌ها را از طریق اجرای ثبت از متعهد مطالبه و دریافت می‌کند.

متعهدله چه خود شخصاً تعهد را انجام دهد و چه به وسیله ثالث اقدام نماید، به دو طریق می‌تواند هزینه‌ها را مطالبه کند: الف) در ابتدا تحت نظر دایره اجرا تعهد را انجام دهد، سپس هزینه‌های آن را مطالبه کند؛ ب) هزینه‌ها را وصول و بعد از آن تعهد را اجرا نماید.

در ماده ۱۱۴۴ قانون مدنی سابق فرانسه و ۱۲۲۲ قانون مدنی ۲۰۱۶م نیز به این موضوع به‌صراحت اشاره شده است که متعهدله می‌تواند محکومیت متعهد به هزینه‌های اجرای تعهد از سوی ثالث را به صورت پیش‌پرداخت یا بازپرداخت از دادگاه مطالبه نماید (Essie de kelle, op.cit: n° 6).

هرچند پرداخت هزینه‌های اجرای تعهد از سوی ثالث به‌عهد متعهد است، اما اصولاً در یک قرارداد معوض، چنانچه اجرای تعهدات هم‌زمان باشد، متعهدله نیز ملزم به پرداخت مبلغ قرارداد است. بنابراین، ضرورت دارد که بدواً چنین مبلغی از سوی متعهدله در صندوق دادگستری تودیع شود. اما اگر پرداخت مبلغ اجرای تعهد، مؤخر بر ایفای آن باشد، در این صورت پرداخت تمام هزینه‌های اجرا از سوی ثالث به‌عهد متعهد خواهد بود.

باید توجه داشت که ممکن است بر اثر نوسانات اقتصادی، هزینه‌های اجرای تعهد نسبت به آنچه در قرارداد معین شده است، کاهش یابد؛ برای مثال، طی قراردادی، شخص «الف» ملزم به ساخت تعدادی از قطعات خودرو برای شخص «ب» در قبال مبلغ یک میلیارد ریال شده است، اما وی مرتکب نقض عهد شده و «ب» پس از مراجعه به دادگاه و خودداری «الف» از تمکین حکم، در صدد برآمده است تا از اجرای ثالث بهره‌مند گردد. حال بر اثر کاهش هزینه‌ها، مبلغ هشتصد میلیون ریال برای تولید قطعات به‌وسیله ثالث کافی است. در چنین حالتی، ممکن است ادعا شود، شخص «ب» (متعهدله) در مقابل متعهد ملزم به پرداخت مبلغ واقعی چنین

---

صورت لزوم، با بازداشت اموال محکوم‌علیه و فروش آن‌ها، قابل وصول خواهد بود (شمس، همان: ۷۱۴). بنابراین، امکان حبس محکوم‌علیه بابت وصول هزینه‌های یادشده وجود دارد؛ زیرا ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ش از استیفای محکوم‌به به‌عنوان یک حکم کلی سخن به‌میان آورده و در قضیه حاضر نیز بحث اجرای تعهد از سوی ثالث به هزینه متعهد درحقیقت نوعی استیفای محکوم‌به است.

اجرایی خواهد بود که همان هشتصد میلیون ریال است. اما به نظر می‌رسد چنین دیدگاهی منطبق با اجرای قرارداد نیست، زیرا آنچه مورد حکم دادگاه قرار گرفته، اجرای عین تعهد از سوی متعهد است و نقطه مقابل این تعهد یعنی مبلغ قرارداد جزء ارکان قرارداد محسوب شده، تغییرناپذیر است. این وضعیت مشابه فرضی است که محکوم‌علیه پس از صدور حکم قطعی به حکم تمکین می‌کند و موضوع تعهد را با هزینه پایین‌تری انجام می‌دهد. مسلم است که در چنین وضعی، متعهدله باید مبلغ قرارداد را بپردازد، ولی باید در نظر داشت که در هر حال، خسارت ناشی از تأخیر تأدیه در اجرای تعهد قابل مطالبه است.

حال اگر هزینه‌های اجرای تعهد افزایش یابد؛ به این معنا که طبق مثال پیش‌گفته تولید قطعات به وسیله ثالث به مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون ریال باشد، متعهدله همان مبلغی را که در قرارداد معین شده است، پرداخت خواهد کرد و مازاد برعهده متعهد است.

در وضعیتی که متعهدله مبلغ قراردادی را در مرحله اجرای حکم پرداخت می‌نماید، قاضی اجرای احکام بایستی به مفاد قرارداد در خصوص نحوه پرداخت ثمن به‌ویژه مراحل زمانی پرداخت عنایت کامل داشته باشد؛ چراکه ممکن است در قرارداد فی‌مابین متعهد و متعهدله، مواعد زمانی مختلفی برای پرداخت ثمن از جانب متعهدله در نظر گرفته شود. در چنین حالتی، واحد اجرای احکام نمی‌تواند برخلاف مفاد قرارداد، اجرای حکم را منوط به پرداخت تمامی ثمن نماید و اگر ثالث تعهد نقض شده را در قبال دریافت تمامی اجرت انجام دهد، محکوم‌علیه (متعهد) باید تمامی هزینه‌های یادشده را پرداخت کرده، حکم اجرا شود. متعهدله نیز طبق مفاد و شرایط قرارداد اقدام به پرداخت ثمن خواهد کرد، لذا این نوع اجرا نباید خللی به مفاد قرارداد از حیث مواعد پرداخت ثمن وارد کند.

### ۳.۳. آزادی تضمین‌های تعهد

در بسیاری از موارد به‌منظور تضمین حسن اجرای تعهد به‌وسیله متعهد، اموال یا اسنادی با توافق طرفین در اختیار متعهدله قرار می‌گیرد. هنگامی که متعهد طبق مفاد قرارداد تعهدات مدنظر را انجام می‌دهد، به دلیل تبعی بودن چنین تضمین‌هایی، اموال یا اسناد مورد وثیقه به وی بازگردانده می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). در فرض مسئله نیز از آنجا که ثالث پس از نقض تعهد از سوی متعهد، موضوع تعهد را انجام می‌دهد و چنین اجرایی همان اجرای عین تعهد موضوع قرارداد میان متعهد و متعهدله است؛ لذا پس از اجرای ثالث دلیلی برای باقی ماندن اموال یا اسناد در قید وثیقه وجود ندارد، زیرا متعهدله هرچند به‌وسیله شخصی غیر از متعهد به مقصود نهایی خود از انعقاد قرارداد می‌رسد، تضمین‌های موجود نیز به متعهد یا کسی که از جانب وی حسن اجرای تعهد را ضمانت کرده است، بازگردانده می‌شود.

### ۳.۴. توقف محاسبه خسارت تأخیر انجام تعهد

با توجه به مفاد ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی، متعهدله می‌تواند جبران خسارت ناشی از تأخیر انجام تعهد را از متعهد مطالبه کند. اما با پایان یافتن اجرای تعهد، محاسبه خسارت تأخیر اجرا متوقف خواهد شد. در فرضی که ثالث پس از نقض تعهد از سوی متعهد و به هزینه وی تعهد را اجرا می‌کند، محاسبه خسارت یادشده متوقف می‌شود؛ چراکه اجرا از سوی ثالث موجب سقوط تعهد شده، از این طریق متعهدله به اجرای اصل تعهد دست می‌یابد.

### نتیجه

مطالعه حاضر نشان می‌دهد که در هر دو سیستم حقوقی ایران و فرانسه در صورت خودداری متعهد از اجرای حکم به ایفای تعهد قراردادی، امکان اجرای همان تعهد از سوی ثالث (یا خود متعهدله) وجود دارد و این راهکار منحصر به تعهدات از نوع فعل یا ترک فعل مادی است. البته در صورتی که تعهد قائم به شخص بوده یا مباشرت در اجرای آن شرط شود، اجرای تعهد از سوی ثالث قابل تصور نخواهد بود. مطابق هر دو سیستم حقوقی مورد مطالعه، اصولاً متعهدله برای دستیابی به اجرای ثالث نیازمند مجوز قضایی است، اما در شرایط اضطراری، ضرورت کسب مجوز قضایی در حقوق فرانسه منتفی بوده، اجرای تعهد از سوی ثالث مستقیماً امکان‌پذیر است. در حقوق ما نیز می‌توان بر اساس قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و قاعده تقلیل خسارت، وجود چنین استثنایی را توجیه نمود. شایان ذکر است که عدم لزوم کسب مجوز قضایی صرفاً در تعهدات مثبت قابل تصور بوده، از بین بردن آنچه در جهت نقض تعهد صورت گرفته، در هر حال، نیازمند مجوز قضایی است.

در نظام حقوقی ایران نیز همانند حقوق فرانسه اجرای تعهد از سوی شخصی غیر از متعهد در فرض نقض قرارداد از سوی وی و متعاقب حکم به الزام به عنوان اجرای جایگزین، و شکلی از اجرای عین تعهد محسوب می‌شود. با توجه به ماهیت اجرای ثالث در چنین وضعی، با چنین ایفای تعهدی از سوی ثالث یا متعهدله، متعهد بری‌الذمه شده، به تبع آن، تمامی تضمین‌های تعهد ساقط می‌گردد. اما در هر حال، متعهد مسئول پرداخت هزینه‌های مازاد بر مبلغ قراردادی است و از تاریخ اجرای تعهد به وسیله ثالث، محاسبه خسارت تأخیر انجام تعهد که پرداخت آن برعهده متعهد است، متوقف می‌شود.

## منابع و مأخذ

## ۱. فارسی

۱. امامی، سید حسن (۱۳۹۱)، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۳۳، تهران: نشریه اسلامی.
۲. امامی، سید حسن (۱۳۳۴)، حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱۸، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹)، دوره حقوق مدنی - حقوق تعهدات، چ ۴، تهران: گنج دانش.
۴. حائری شهاباغ، علی (۱۳۸۲)، شرح قانون مدنی، ج ۱ و ۲، چ ۳، تهران: گنج دانش.
۵. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۴)، اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۴، تهران: نشر میزان.
۶. رودیجانی، محمدمجتبی (۱۳۹۲)، تفسیر جامع قانون اجرای احکام مدنی، چ ۱، تهران: کتاب آوا.
۷. شعاریان، ابراهیم (۱۳۹۴)، انتقال قرارداد: نظریه عمومی - عقود معین، چ ۱، تهران: شهر دانش.
۸. شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم (۱۳۹۳)، حقوق تعهدات - مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، چ ۱، تهران: شهر دانش.
۹. شمس، عبدالله (۱۳۹۷)، اجرای احکام مدنی، ج ۲، چ ۱، تهران: نشر دراک.
۱۰. شهیدی، مهدی (۱۳۸۳)، آثار قراردادها و تعهدات، ج ۳، چ ۲، تهران: انتشارات مجد.
۱۱. شهیدی، مهدی (۱۳۸۶)، حقوق مدنی - شروط ضمن عقد، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.
۱۲. شهیدی، مهدی (۱۳۹۵)، سقوط تعهدات، ج ۵، چ ۱۰، تهران: انتشارات مجد.
۱۳. صفایی، سید حسین (۱۳۹۳)، دوره مقدماتی حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۱۹، تهران: نشر میزان.
۱۴. قاسمی، محسن (۱۳۸۶)، «آثار ایفاء در تعهدات قراردادی»، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۸، ش ۲۶.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳ الف)، قواعد عمومی قراردادها - اجرای قرارداد، ج ۴، چ ۸، تهران: سهامی انتشار.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، اعمال حقوقی، قرارداد - ایفاء، چ ۱۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳ ب)، حقوق مدنی - درسهایی از عقود معین، چ ۲۱، تهران: گنج دانش.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، الزام‌های خارج از قرارداد، چ ۷، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. مهاجری، علی (۱۳۹۳)، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، ج ۱، چ ۸، تهران: انتشارات فکرسازان.

## ٢. عربی

٢٠. ابراهیم سعد، نبیل (١٩٩٨م)، النظرية العامة للالتزام (احكام التزام فى القانون المصرى و القانون اللبنانى)، ج ٢، ٢، بيروت: نشر دار النهضة العربية.
٢١. احمد السنهورى، عبدالرزاق (بى تا)، الوسيط فى شرح القانون المدنى الجديد، ج ٢، بيروت- لبنان: نشر وار احياء التراك العربى.
٢٢. انصارى، مرتضى بن محمد امين (١٤١٥ق)، الحاشيه على استصحاب القوانين، قم.
٢٣. الحكيم، عبدالمجيد (بى تا)، الموجز فى شرح القانون المدنى ( احكام التزام)، ج ٢، قاهره: نشر العاتك لصناعة الكتاب.
٢٤. خوئى، سيدابوالقاسم (١٤١٧ق)، مصباح الاصول، ج ٢، قم: انتشارات داورى.
٢٥. عراقى، شيخ آقا ضياء (١٤٠٥ق)، نهايه الافكار، ج ٣، ١، قم: مؤسسه نشر اسلامى.
٢٦. غروى نائينى، محمدحسين (١٣٦٥)، فوائد الاصول، قم: مؤسسه نشر اسلامى.
٢٧. نراقى، احمد بن محمد مهدى (١٣٧٥)، عوائد الايام، قم.

## ٣. انگلیسی

28. Cartwright, John & Whittaker, Simon (eds), (2017), *The Code Napoléon Rewritten*, hart publishing.
29. Cartwright, John, et al. (2009), *Reforming the French Law of Obligations: Comparative Reflections on the Avant-projet de réforme du droit des obligations et de la prescription ('The Avant-projet Catala')*, Bloomsbury Publishing.
30. Cartwright, John, et al. (eds), (2009), *Reforming the French Law of Obligations*, hart publishing.
31. Luber. M, (2008), *The Law of Contracts in Key Aspect of German Business Law*, springer.
32. Rowan, Solène, (2017), *The New French Law of Contract*, British Institute of International and Comparative Law.
33. Treitel, Guenter (2003), *The Law of Contract*, 11th ed, Sweet & Maxwell, 2003.
34. Whittaker, Simon (2000), *Performance of Another's Obligation: French and English Law Contrasted*, 2019/7/2, available at: <<https://ouclf.iuscomp.org/>>

## ٤. فرانسه

35. Aubert de Vincelles, Carole, *bail*, Rép. Civ. Dalloz, paris, septembre 2007 (dernière mise à jour: 03/2012).
36. Barret, Oliver, *Vente (3o effets)*, Rép. Civ. Dalloz, Paris, janvier 2007, (dernière mise à jour: 03/2012).
37. Brunet, Nicolas, *L'Exécution Forcée*, (Université Paris 1 Panthéon-Sorbonne, 2013).

38. Crepu, Raoul (2012), *L'exécution du contrat par les tiers*, Université Montpellier 1, Master 2 Droit privé économique.
39. Damas, Nicolas, *baux d'habitation et mixtes (rapports locatifs individuels: loi du 6 juillet 1989)*, Rép. Civ. Dalloz, paris, fevrier 2008 (dernière mise à jour: 03/20120)
40. Essie de kelle, Maître (2017), *L'exécution forcée en nature: Que dit la réforme du droit des contrats?*, 2019/9/15, available at: <www.legavox.fr>
41. François. Clément, *Présentation des articles 1221 à 1222 de la nouvelle sous-section 2 L'exécution forcée en nature* (panthéonsorbonne, 2016) [https://iej.univ-paris1.fr/openaccess/reforme-contrats/titre3/stitre1/chap4/sect5/ssect2-execution\\_forcee](https://iej.univ-paris1.fr/openaccess/reforme-contrats/titre3/stitre1/chap4/sect5/ssect2-execution_forcee)
42. Légier, Gérard, *Responsabilité contractuelle*, Rép. civ. Dalloz, Paris, août 1989, (dernière mise à jour: 03/2012).
43. Picod, Yves, *Obligations*, Rép. civ. Dalloz, Paris, janvier 2009, (dernière mise à jour: 06/2011).
44. Case No. 89-19866, March 20, 1991, French Court of Appeal.
45. Case No. 95-16017, March 5, 1997, French Court of Appeal.
46. Case No. 04-20142, January 11, 2006, French Court of Appeal.
47. Case No.99-21127, June 12, 2001, French Court of Appeal.

## ۵. قوانین و مقررات

- قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷
- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶
- قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ و ۱۳۶۲
- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹
- قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶
- قانون مدنی مصر
- قانون تعهدات سوئیس
- قانون مدنی فرانسه (متضمن اصلاحات ۲۰۱۶م)
- آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۱۳۸۷